

مصاحبه با
تاریخ‌سازان
عصر قابچار
مشروطیت

مسعود کوهستانی تزاد

مصاحبه با تاریخ‌سازان
عصر قاجار و مشروطیت



مصاحبه با تاریخ‌سازان عصر قاجار و مشروطیت

مجموعه مصاحبه‌ها ای مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی و خارجی
با مقامات و رجال سیاسی، اجتماعی، نظامی، مذهبی و ...
در دوره قاجار و مشروطیت

(۱۸۶۰ - ۱۹۲۵)

مسعود کوهستانی نژاد



تهران، ۱۴۰۰

سروشناسه: کوهستانی نژاد، مسعود - ۱۳۴۲
عنوان و نام پدیدآور: مصاحبه با تاریخ سازان عصر قاجار و مشروطیت: مجموعه مصاحبه‌های مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی و خارجی با مقامات و رجال سیاسی، اجتماعی، نظامی و مذهبی در دوره قاجار و مشروطیت ۱۸۵۲ - ۱۸۶۰ / مسعود کوهستانی نژاد.
مشخصات نشر: تهران: کتاب پیام امروز: ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهیری: ص: مصور، عکس: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک: ۰-۷-۹۷۴۱-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
عنوان دیگر: مجموعه مصاحبه‌های مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی و خارجی با مقامات و رجال سیاسی، اجتماعی، نظامی و مذهبی در دوره قاجار و مشروطیت ۱۸۵۲ - ۱۸۶۰.
موضوع: سیاستمداران - ایران - قرن ۱۳ - مصاحبه‌ها
Politicians- Iran- 19th century - Interviews
موضوع: ایران - تاریخ - قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ق. - مصاحبه‌ها
Iran - History - Qajars, 1779 - 1925 - Interviews
ایران - تاریخ - انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ق. - مصاحبه‌ها
Iran - History - Constitutional Revolution, 1906 - 1909 - Interviews
رده‌بندی کنگره: DSR ۱۴۴۰
رده‌بندی دیوبی: ۹۰۵/۰۷۵۰۹۲۲
شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۸۵۰۵۰
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



مصاحبه با تاریخ سازان عصر قاجار و مشروطیت

مجموعه مصاحبه‌های مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی و خارجی
با مقامات و رجال سیاسی، اجتماعی، نظامی و مذهبی...
در دوره قاجار و مشروطیت
(۱۸۵۰ - ۱۸۶۰)

مسعود کوهستانی نژاد

ناشر: کتاب پیام امروز

طرح جلد: فرزاد ادبی

نوبت چاپ: اول، زمستان، ۱۴۰۰

تیراژ ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: پردیس دانش

قیمت: ۱۴۰ هزار تومان

نشانی ناشر: تهران، خیابان لبافی نژاد، بین فروردهین و فخر رازی، شماره ۲۰۰، طبقه اول - تلفن: ۰۶۴۹۱۸۸۷

شابک: ۰-۷-۹۷۴۱-۶۲۲-۹۷۸

Ketab_payam_emrooz@yahoo.com

فهرست

٩	مقدمه
٢٣	احمد شاه
٢٨	ارباب کیخسرو شاہرخ
٢٢	ارفع الدوله، رضاخان
٣٥	اعلم، امير
٣٨	حاجی امیر نظام همدانی
٤١	آیت الله شیخ محمد خالصی زاده
٤٥	آیت الله سیند محمد طباطبائی
٤٩	آیت الله سیدحسن مدرس
٥٢	نقی زاده، سیدحسن
٦١	دو مرنی (مستشار فرانسوی وزارت عدیله)
٦٩	سالار الدوله، ایوالفتح میرزا
٧٧	سپهسالار اعظم، محمدولی خان
٨١	ستارخان
٨٩	سردار اسعد بختیاری، علی قلی خان
١١٠	سردار بهادر، جعفرقلی خان
١١٢	سردار فاخر
١٢١	سردار سپه، رضاخان
١٣١	سعده الله درویش
١٣٤	سعد الدوله، میرزا جوادخان
١٤١	سمیتکو، اسماعیل آقا

١٤٨	شريف الدوله، ميرزا على محمدخان
١٤٩	شعاع السلطنه، ملك منصور ميرزا
١٥٦	شيخ خزرعل
١٥٩	شيخ فضل الله نوري
١٦٣	صديق اعلم، عيسى
١٦٨	صمصام السلطنه، نجفقلی خان
١٧٧	صولت الدوله قشقائي، اسماعيل خان
١٩٥	طباطبائي، سيد ضياء الدين
٢٠٢	علاع، حسين
٢٢٦	فروغى، محمد على
٢٢٩	فهيم الملك، خليل
٢٣٤	قوام السلطنه، احمد
٢٤٠	محتشم السلطنه
٢٤١	محمد على شاه
٢٤٥	محمد حسن ميرزا (وليعهد)
٢٤٨	مخبر السلطنه، مهدي قلى
٢٥٢	مستشار الدوله صادق
٢٦٠	مستوفى المالك، ميرزا حسن خان
٢٦٥	مشير الدوله پيرنيا، ميرزا حسن خان
٢٧١	مشير الدوله ميرزا نصر اشخان
٢٧٧	صدق، محمد
٢٨٥	معاون الدوله غفارى، ميرزا ابراهيم خان
٢٨٧	متاز الدوله، اسماعيل
٢٨٨	متاز السلطنه، ميرزا عبد الصمدخان
٢٩٨	متاز الملك، ميرزا مرتضى خان
٣٠٠	مؤمن الملك پيرنيا، ميرزا حسين خان
٣٠٦	مؤيد الملك، احمدخان
٣١١	ميرزا يانس

۳۱۲	ناصرالملک، میرزا ابوالقاسم خان
۳۱۶	نایب حسین کاشی (در مورد او)
۳۲۲	نصرتالدوله فیروز
۳۲۷	نظام‌السلطنه، رضا قلی خان
۳۲۲	وحیدالملک، عبدالحسین خان شبیانی
۳۲۴	وزیرزاده، علی محمدخان بنی‌آدم
۳۲۶	کمیته مجازات (در مورد زندانیان کمیته مجازات)
۳۴۹	زنان
۳۵۴	اقتراح‌ها، (مساچبه‌های دسته‌جمعی)
۳۷۶	لیاخوف
۳۸۶	یالمارسن
۳۹۱	مقامات بریتانیایی و انگلیسی
۴۰۲	مقامات روسی و شوروی
۴۶۹	مقامات آلمانی
۴۸۵	مقامات آمریکایی
۴۹۰	مقامات فرانسوی
۴۹۱	مقامات عثمانی و ترکیه
۴۹۳	مقامات اتریشی
۴۹۶	جمهوری آذربایجان
۵۰۲	مقامات ایتالیائی
۵۰۴	مقامات بلژیکی
۵۰۵	مقامات اسپانیائی
۵۰۶	مستر جردن (رئیس مدرسه آمریکائی‌ها در تهران)
۵۰۷	خبرنگاران جراید: روسکو یه اسلو، نویه و ریمیا در تهران
۵۰۹	نمایه
۵۲۹	تصویرها

مقدمه

انقلاب مشروطیت ایران فارغ از نتایج و دستاوردهای آن، به عنوان یکی از عظیم‌ترین و تأثیرگذارترین وقایع چند قرن اخیر ایران به شمار آمده و تأثیر بسیار گسترده‌ای بر کلیه ابعاد زندگانی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، هنری و اقتصادی ایران باقی گذاشت. به نحوی که تاریخ معاصر ایران را به گونه‌ای اساسی دگرگون ساخت. اگر انقلاب مشروطیت را نه فقط از بعد سیاسی، بلکه به طور همه جانبی مورد توجه قرار دهیم، در حدود یک و نیم قرن از شروع وجهه فرهنگی آن می‌گذرد. انقلابی که آغاز آن از تحولات اواسط دوره ناصرالدین شاه (اوآخر قرن سیزدهم هجری قمری) شروع و به مرور زمان در ابعاد فرهنگی و اجتماعی گسترش یافته و سپس به امور سیاسی تسری پیدا کرده و در نهایت در سال ۱۳۲۴ قمری / ۱۸۵۰ خورشیدی در ایران پیروز شده و نظام سیاسی - حکومتی کشور را مشروطه کرد. اما طی دودهه پس از آن و برخلاف امیدها، آرزوها و رؤیاهای انقلابیون، تیره‌ترین ایام چند قرن اخیر ایران رقم خورد. تجاوزات و مداخلات بی‌پایان قدرت‌های خارجی و به ویژه روس‌ها و انگلیس‌ها در امور داخلی ایران به اندازه‌ای رسید که کشور تقریباً در تحت کنترل آن دولت‌ها قرار گرفت. علاوه بر آن از هم گسیختگی نظام حکومتی و دولتی ایران، درگیر شدن ناخواسته ایران در جنگ جهانی اول و قوع قحطی گسترده در کشور از مهمترین عوامل فروپاشی ایران در دودهه پس از پیروزی انقلاب مشروطیت محسوب می‌شود.

چنین وضعیتی سبب شد از اوایل دهه ۱۳۰۰ به بعد تفکرات، نگرش‌ها و بینش‌ها و داوری‌های متفاوتی از جوهره اندیشه و تفکر مشروطیت، در فضای عمومی جامعه ایران از جمله فضای سیاسی و فرهنگی کشور رواج یافته و پشتوانه

دولت تمکنگرایی شود که کمترین تعهد را نسبت به جوهره انقلاب مشروطیت و نظام سیاسی، فرهنگی برآمده از آن، نداشت.

علی‌رغم ناکامی انقلاب مشروطیت، تلالوان انقلاب، بنیان‌ها، تفکرات و اندیشه‌ها و مشرب‌های فرهنگی و اجتماعی، مؤلفه‌های فرهنگی و هنری انقلاب مشروطیت، دستاوردها و موانع تحقق آن ایده‌ها و اندیشه‌ها، به گونه‌ای ویژه نه تنها تمامی رویدادها و وقایع ایران درده‌های بعد را تحت تأثیر خود قرارداد، بلکه علی‌رغم گذشت بیش از یک قرن از پیروزی آن انقلاب، در هر ماه و سال چندین جلد کتاب، ده‌ها و صدھا رساله و پژوهش مستقل و صدھا مقاله پیرامون ابعاد مختلف انقلاب مشروطیت، زمینه‌ها و دستاوردها و نتایج آن انقلاب به رشته تحریر درآمده و منتشر می‌شود. بدین ترتیب پس از گذشت افزون بر یک قرن، هنوز آرمان‌ها و اهداف و عمل و عوامل شکست آن انقلاب کماکان مورد بحث و بررسی قرار داشته و هرساله تعداد زیادی از پژوهشگران و محققین برای دستیابی به مدارک و اطلاعات جدید تلاش زیادی به عمل آورده و دستاورد تلاش آنان در چاپ و انتشار مدارک و اطلاعات نویافته پیرامون ابعاد مختلف و عوامل ذی دخیل در فرجام آن انقلاب تحقق می‌یابد. مدارک مزبور که در واقع برای ارتقاء دانش تاریخی از هیبت تاریخی ایران ارائه می‌شود، به نوبه خود در بررسی‌ها و تحلیل‌های جدید از انقلاب مشروطیت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در این چارچوب، مجموعه حاضر که گونه‌ای جدید از اطلاعات، مدارک و استناد تاریخی پیرامون انقلاب مشروطیت بوده و از ماحصل پژوهش‌های چندین ساله دریکی از مهمترین منابع تاریخ معاصر ایران (مطبوعات و جراید چاپ شده در طول سال‌های اواسط دوره ناصرالدین شاه تا آغاز سلطنت رضا شاه) فراهم شده و با عنوان «مصاحبه با تاریخ‌سازان انقلاب مشروطیت» عرضه می‌گردد. مصاحبه‌های مذکور توسط خبرنگاران، مدیران و اصحاب جراید و خبرگزاری‌های داخلی و خارجی، برجال، سیاستمداران و مقامات مختلف پیرامون وقایع، رویدادها، حوادث و مسائل ایران در ایام مشروطیت انجام شده است.

مطبوعات یکی از مهمترین دستاوردهای ورود افکار و تکنولوژی ارتباطی مدرن به ایران بوده و متقابلاً به نوبه خود نقش بسیار مهم و حیاتی در شکل‌گیری انقلاب

مشروطیت (در تمام ابعاد آن) در ایران داشت. صرف نظر از اولین جریده ایران (کاغذ اخبار) که به دلیل قلت شماره های موجود و در دسترس آن، نمی توان در مورد محتوای آن قضایت قطعی کرد، انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه همزمان با شروع تحولات ساختاری در ایران شده و آن روزنامه علاوه بر اینکه مظہری از آغاز تحولات به شمار می آید، متقابلاً تأثیر مهمی بر روند انجام اصلاحات در ایران عصر ناصرالدین شاه باقی گذاشت. به مرور زمان و با افزایش تعداد عناوین جراید چاپ شده، مطبوعات به یک قدرت تاثیرگذار در تحولات ایران تبدیل شد. همزمان با گسترش مطبوعات فارسی زبان در میان جامعه های ایرانیان در خارج از کشور، از قاهره تا کلکته و از ففراز تا جده و اروپا، افزون شدن قدرت مطبوعات رادر تحولات داخلی ایران به همراه داشت. این روند به ویژه از اواسط عصر ناصرالدین شاه و با شروع انقلاب فرهنگی مشروطیت بیش از پیش نمایان شد. در گذر زمان، مطبوعات جایگاه ویژه ای در ایران یافت؛ جایگاهی که با پیروزی انقلاب و تثبیت نظام مشروطه، بیش از پیش اهمیت یافته و بحران های عمیق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران در دهه های بعد تا سال ۱۳۰۴ نیز نتوانست خلی بران وارد کند.

از جمله مطالب مهم چاپ شده در صفحات مختلف جراید، مصاحبه هایی است که خبرنگاران و مدیران جراید در ایران و جراید فارسی زبان در خارج از کشور با مقامات، رجال و سیاستمداران ایرانی و غیر ایرانی (مرتبط با ایران) پیرامون وقایع، رویدادها، حوادث جاری کشور انجام می دادند. علاوه بر آن و به درجه ای مهم تر و گسترده تر، در ارتباط با موضوع های مشابه، خبرنگاران جراید، مطبوعات و خبرگزاری های خارجی نیز مقامات، رجال و شخصیت های ایرانی و خارجی را مورد سئوال قرار داده و با آنان گفتگومی کردند. از اواسط دوره قاجار به بعد گسترش مراودات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران با دیگر کشورها و به ویژه کشورهای اروپایی و نیز گسترش روزافزون نفوذ قدرت های بزرگ اروپایی در خاور میانه و ایران، سبب اهمیت یافتن وقایع و رویدادهای ایران برای سیاستمداران و افکار عمومی کشورهای دیگر شد. به ویژه پیروزی انقلاب مشروطیت و رویدادهای پس از آن، از جمله گسترش دامنه های جنگ جهانی اول به ایران، انگیزه کافی را برای خبرنگاران جراید و خبرگزاری های خارجی جهت انجام مصاحبه هایی پیرامون

اوپرای ایران با مقامات و رجال ایرانی و خارجی فراهم می‌کرد. به عنوان نمونه می‌توان به خبرنگاران روسی اشاره کرد. عوامل مختلفی همچون نفوذ‌گستره روس‌ها در ایران، اقدامات و برنامه‌های مختلف آنان برای مقابله با انقلاب مشروطیت و استقلال و تمامیت ارضی ایران، حضور عوامل و مستشاران روسی در رده‌های مختلف اداری و حکومتی و دولتی ایران، انگیزه کافی را برای گشیل خبرنگارانی از سوی مدیران جراید و خبرگزاری‌های آن کشور به ایران به منظور تهیه گزارش از وقایع و رویدادها و حوادث جاری ایران و دیدار و مصاحبه با مقامات و رجال ایرانی فراهم کرد. در همین چارچوب می‌باید به خبرنگاران دیگر کشورها همچون بریتانیا، فرانسه و عثمانی و... نیز اشاره نمود. آنان علاوه بر مصاحبه با مقامات ایرانی در داخل یا خارج از کشور، سوالات و پرسش‌های خود را با مقامات کشورهای متبع خود که به نحوی ازانحاء با ایران در ارتباط بودند، نیز مطرح می‌کردند. دستاورد فعالیت آن تعداد از خبرنگاران و مدیران جراید و خبرگزاری‌های خارجی انجام تعداد زیادی مصاحبه مرتبط با وضعیت ایران بود. البته شماره و تعداد مصاحبه‌هایی از این دست معلوم نیست، ولی تعداد قابل توجهی از آنها مدت کوتاهی پس از چاپ در نشریه اصلی، به فارسی ترجمه و در یکی از جراید فارسی زبان در داخل یا خارج از کشور چاپ می‌شد. متون ترجمه‌ای مذکور (با توجه به میزان امکان دسترسی به نشریات قدیمی عصر مشروطیت در آرشیوهای کتابخانه‌ها) مورد توجه قرار گرفته و گردآوری شد.

بنابراین مصاحبه‌ها به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱- مصاحبه‌های مدیران، گردانندگان و خبرنگاران داخلی و نیز مطبوعات

فارسی زبان خارج از کشور

۲- مصاحبه‌های خبرنگاران خارجی

اما موضوع مهم و جالب توجه دیگری که در چارچوب مصاحبه‌های ارائه شده در کتاب حاضر می‌باید مورد توجه قرار گیرد، شخصیت برخی از مصاحبه‌کنندگان است. در چارچوب مصاحبه‌های انجام شده در دسته اول، با توجه به اینکه مدیریت و سردبیری جراید ایرانی در برخی از موارد به عهده افراد فرهیخته، صاحب نظر و برجسته فرهنگی- سیاسی بود که در چارچوب نظرات آرمانی‌شان به سمت

فعالیت‌های مطبوعاتی و از جمله انجام مصاحبه، روی آورده بودند، لذا در پاره‌ای از موقع در این سوی میز مصاحبه با افرادی مواجه هستیم که یا در همان زمان انجام مصاحبه و یا در سال‌های بعد از آن، به رجال نامداری در عرصهٔ فرهنگ و سیاست کشور تبدیل شدند. از جمله آنان می‌توان به سید ضیاء الدین طباطبائی، سعید نفیسی، ملک‌الشعرای بهار و علی دشتی و... اشاره کرد.

در مجموع مصاحبه‌های ارائه شده در کتاب حاضر، شامل گفتگوهایی با عالی ترین مقامات سیاسی و رجال دولتمردان ایرانی در عصر مشروطیت است. اشخاصی همچون: محمدعلی شاه، احمد شاه، سردار سپه (رضاشاه بعدی)، رئیس‌الوزراء‌ها (نخست‌وزیران)، وزرا و اشخاص و رجال پرنفوذ آن دوره نظیر علماء و مراجع تقلید همچون آیت‌الله طباطبائی، شیخ فضل‌الله نوری و آیت‌الله مدرس، شخصیت‌های ملی همچون ستارخان و رجال پرنفوذ غیردولتی همچون سردار اسعد بختیاری دوم، شیخ خزرعل و صولت‌الدوله قشقایی که برخی از آن‌ها ایفاگر نقش‌های مهمی در پیروزی انقلاب مشروطیت و همچنین شکل‌گیری و فرجام رویدادها و قایع پس از آن بودند. اگر به مجموعه اشخاص مذکور، فهرستی از مصاحبه‌های مقامات سیاسی و نظامی خارجی مرتبط با ایران در دوره مشروطیت را نیز اضافه کنیم، شاهد مجموعه گفتگوهایی از رجال و سیاستمداران داخلی و خارجی هستیم که به نحوی ازانحاء در شکل‌گیری روند رویدادهای ایران در دوره پس از انقلاب مشروطیت سهمی داشتند. مصاحبه‌های متعدد با سفرا و مقامات سیاسی و نظامی روسی، همچنین مصاحبه با سفیران و مقامات مختلف انگلیسی، آمریکایی، آلمانی، فرانسوی و... در ایران پیرامون وضعیت ایران، روابط آن کشورها با ایران و اوضاع و احوال گذشته و آینده ایران، حاوی نظرات و دیدگاه‌های گرانبهایی در تحلیل و بررسی واقعی عصر مشروطیت است. بدین ترتیب با پژوهش انجام شده در محتوای شماره‌های چاپ شده از نشریات، مطبوعات و جراید منتشر شده از اواسط دورهٔ قاجار تا آغاز سلطنت رضا شاه، مجموعه‌ای از مصاحبه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی بارجال، شخصیت‌ها و مقامات ایرانی و غیر ایرانی مرتبط با ایران که در همان زمان انجام شده بود، گردآوری شد، که بخش نخست آن با عنوان: «مصالحه با تاریخ سازان عصر قاجار و مشروطیت» در کتاب حاضر ارائه می‌شود.

مصاحبه‌ای منحصر به فرد

در جریان پژوهش و تحقیق پیرامون مصاحبه‌های انجام شده با شخصیت‌های ایرانی، به نمونه‌ای جالب برخورد شد. در ایام ریاست وزرایی سردار سپه در سال ۱۳۰۴، «موریس پرتو» فرانسوی که خود را خبرنگار معرفی می‌کرد نیز مصاحبه‌ای با سردار سپه که در آستانه رسیدن به سلطنت بود، انجام داد. متن مصاحبه مذکور در مجموعه حاضر ارائه شده است. نکته جالب توجه این است که در متن مصاحبه «موریس پرتو» هیچ اشاره‌ای به حضور مترجم نمی‌شود. بنابراین مصاحبه بدون مترجم بوده و حاکی از آشنایی کامل مصاحبه‌کننده با زبان فارسی است. اما نکته جالب توجه دیگرایین است که متن مصاحبه ارائه شده در مجموعه حاضر حاکی از عدم حساسیت سردار سپه به خبرنگار خارجی - که عموماً حساس بود - و فارغ‌البالی او در اظهار نظرهایش و گفتگو با «موریس پرتو» می‌باشد. بنابراین (به گمان نگارنده) یا «موریس پرتو» یک خبرنگار نبوده و تنها با پوشش خبرنگاری در ایران حضور داشته و یا اخلاق سردار سپه در این مورد خاص عرض شده است که احتمالاً باید به دلیل پشتوانه ویژه «موریس پرتو» بوده باشد که ازاو چهره‌ای دیگر نزد سردار سپه به وجود آورده است. این موضوع می‌تواند نشانه‌ای از نحوه حضور برخی از نمایندگان و مجریان سیاست‌های دول قدرتمند غربی در سال‌های ۱۳۰۴-۱۳۰۵ در ایران باشد که به نوعی و در پوششی دیگر، سعی در اجرای برنامه‌های خود داشتند. در این مورد خاص، «موریس پرتو» خود را خبرنگاری فرانسوی معرفی می‌کند، اما با توجه به گزارش‌های دیگری که ازاو در همان ایام در دست است، چنین معرفی‌ای را نمی‌توان به سادگی قبول نمود. متأسفانه در ایران از تأثیر و نقش فرانسویان در به قدرت رسیدن سردار سپه، زیاد سخن گفته نشده و این موضوع مورد توجه قرار نگرفته است. شاید چاپ مصاحبه «موریس پرتو» با سردار سپه در سال ۱۳۰۴ و نیز توجه به رفتار گروه‌های هوای خواه سیاست‌های فرانسه در ایران (از جمله «جمعیت ایران جوان») انگیزه‌ای برای انجام پژوهشی جدی در رابطه با رفتار و عملکرد فرانسویان در ایران (اعم از فرهنگی، سیاسی، نظامی و تبلیغاتی) فراهم آورد.

بررسی محتوایی مصاحبه‌ها

محتوای مصاحبه‌های ارائه شده را می‌توان از ابعاد گوناگون مورد بحث و بررسی قرار داد. از آن جمله موارد ذیل قابل توجه است:

۱- از منظر تاریخی

از منظر تاریخی مطالب و موضوعاتی بیان شده در مصاحبه‌ها حاوی اطلاعاتی دست اول است که به دلیل همزمانی انجام آنها با وقایع رویدادهای مورد اشاره در مصاحبه‌ها، ضریب صحبت اطلاعات مذکور به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد. به علاوه، آن متون حاوی نکات دقیق و ظرایف بسیار مهمی برای شناخت ابعاد ناگفته و یا کمتر مورد توجه قرار گرفته انقلاب مشروطیت و رویدادها و وقایعی است که در فاصله دوده پس از تغییر نظام سیاسی در ایران به وقوع پیوست. از آن جمله می‌توان به یکی از مصاحبه‌های کلنل لیاخوف فرمانده فوج قزاق در ایران در سال‌های ۱۳۲۵-۱۲۸۶ قمری / ۱۳۲۷-۱۲۸۸ خورشیدی اشاره کرد. او که مسئول و فرمانده مستقیم نیروهای نظامی حامی شاه بود، در رویدادهای مهمی همچون به توب بستان ساختمان نخستین دوره مجلس شورای ملی در جمادی الاول ۱۳۲۶ قمری / ۱۲۸۷ خورشیدی و نیز هدایت قشون مستقر در تهران به هنگام جنگ با نیروهای مجاهدین مشروطه خواه در اواسط سال ۱۳۲۷ قمری / ۱۲۸۸ خورشیدی دخالت مستقیم داشت. در واپسین روزهای جنگ داخلی در جمادی الثانی سال ۱۳۲۷ قمری، نیروهای طرفدار شاه به فرماندهی لیاخوف با نیروهای مجاهدین گیلانی به فرماندهی سپهبدار اعظم (سپهسالار اعظم بعدی) که عازم فتح تهران و خلع محمدعلی شاه از سلطنت بودند، در حوالی رودبار الموت مواجه شده و دو طرف خود را برای جنگ نهایی آماده کردند. ولی علی رغم آرایش نظامی کامل نیروهای مجاهدین بدون هیچ گونه درگیری و زد خوردی از قلب نیروهای روز بعد نیروهای مجاهدین بدون هیچ گونه درگیری کردند. این موضوع در مصاحبه‌ای که طرفدار شاه گذشته و به سمت تهران پیش روی کردند. این موضوع در مصاحبه‌ای که مدت کوتاهی بعد از آن واقعه، یک خبرنگار روسی با کلنل لیاخوف داشت، مورد اشاره قرار گرفت. اما نکته عجیب‌تر نحوه برخورد کلنل فرمانده نیروهای طرفدار شاه

با آن واقعه است. در مصاحبه، لیاخوف به سادگی و بی اعتمایی هرچه تمام تراز کنار واقعه عجیب مذکور گذشته و نه تنها هیچ گونه توضیحی در مقابل وقوع چنان حادثه‌ای ارائه نمی‌کند، بلکه حتی خبرنگار مصاحبه‌کننده نیز در آن رابطه، او را مورد سئوال قرار نمی‌دهد. به نحوی که از متن مصاحبه مورد بحث این شائبه به وجود می‌آید که عبور نیروهای مشروطه طلب گیلانی از قلب سپاه طرفدار شاه، از قبل برنامه‌ریزی شده و با هماهنگی عوامل دیگری انجام گردیده بود و لیاخوف نیز تنها مجری آن برنامه از پیش تعیین شده محسوب می‌شد؛ برنامه‌ای که بدون شک طراح آن محمدعلی شاه و طرفداران و مقامات درباریش نبوده و بلکه بر مبنای توافق روس‌ها و انگلیسی‌ها انجام شد.

مجموعه مصاحبه‌های علمای عصر مشروطیت و به ویژه دو مصاحبه مدیر نشریه چهره‌نما با آیت الله طباطبائی و شیخ فضل الله نوری در اوایل سال ۱۳۲۵ قمری / ۱۲۸۶ خورشیدی در برگیرنده نکات بسیار جالبی از شخصیت، منش و نقطه نظرات آن دو تن پیرامون مسائل روز و وضعیت دولت و مجلس در نخستین ماه‌های پس از پیروزی انقلاب مشروطیت است. مقایسه محتوای آن مصاحبه‌ها با متن مصاحبه‌های روزنامه شفق سرخ با مقامات عالی‌تبه ایرانی در سال ۱۳۰۴ (از جمله آیت الله مدرس) پیرامون وضعیت جامعه ایران و اولویت‌های در پیش روی حکومت و دولت در آن زمان، به خوبی گویای تغییر نگرش و دیدگاه‌های رجال ایرانی و به طور کلی تغییر نگرش حاکم بر جامعه، دولت و حکومت ایران است.

از منظری دیگر، مجموعه مصاحبه‌ها با رجال و شخصیت‌های داخلی و خارجی پیرامون وقایع جنگ جهانی اول در ایران و به ویژه قحطی بزرگ سال ۱۲۹۷ علل و عوامل و پیامدهای آن، که در همان زمان انجام شد، حاوی اطلاعات بسیار ارزشمندی بوده و بدین لحاظ آنها را شاید بتوان به عنوان یکی از مهمترین منابع تاریخی از آن واقعه محسوب داشت. همچنان که ظهور کمیته مجازات در ایران را نیز می‌توان به عنوان یکی از مهمترین پیامدهای جنگ جهانی اول برشمرد و در این رابطه مجموعه مصاحبه‌هایی مرتبط با آن کمیته و به طور خاص، گزارش بسیار خوب سید ضیاء الدین طباطبائی از بازداشت شدگان آن کمیته در زندان نظمیه و گفتگو با آنها را می‌باید در رده مهمترین منبع تاریخی برای بررسی چگونگی پیدایش،

عملکرد و فرجام کمیتهٔ مجازات در ایران برشمرد.

نمونه‌های مذکور از نظر محتوای مصاحبه‌های کتاب حاضر به خوبی گویای ارزش علمی تاریخی و میزان سندیت اطلاعات مطرح شده در هریک از آنها به منظور استفاده در تحلیل‌ها و بررسی‌های جدید از انقلاب مشروطیت و پیامدهای آن در ایران است.

از منظری دیگر در خلال مصاحبه‌های ارائه شده در کتاب حاضر، اطلاعات جالبی در مورد اشخاص مختلف اعم از مصاحبه شوندگان، مصاحبه کنندگان و اشخاص ثالث مطرح می‌شود که افق‌های جدید و زمینه‌های مناسبی را برای تعمیق شرح حال نویسی رجال، سیاستمداران و مقامات حکومتی و دولتشی ایران عصر مشروطه فراهم می‌آورد. به عنوان مثال مجموعه مصاحبه‌هایی با ستارخان، سردار اسعد بختیاری (فاتح تهران)، حسین علاء، مشیرالدوله پیرنیا و مصاحبه‌های با محمدعلی شاه و سردار سپه (رضاشاه بعدی) کمک مفیدی به تعمیق شناخت از آنان می‌کند. همچنین مصاحبه کنندۀ‌هایی نظیر ملک الشعراه بهار (به هنگام مدیریت روزنامه بهار، زبان آزاد و ایران) و یا سید ضیاء الدین طباطبائی (به هنگام مدیریت روزنامه‌های شرق و رعد) در مقام سئوال کنندۀ، نظرات و دیدگاه‌های خود پیرامون مسائل آن روزگار ایران را مطرح می‌کردند. بدین لحاظ مصاحبه‌های مذکور می‌باید در بررسی کارنامه فعالیت آنان مورد توجه قرار گرفته و با توجه به عوامل دیگر، در چارچوب روند فعالیت‌شان مورد توجه واقع شود.

۲- از منظر مطبوعات و فعالیت‌های مطبوعاتی در ایران

صرف نظر از ابعاد تاریخی و اطلاعات و یافته‌های موجود در متن مصاحبه‌ها، متون مذکور از منظر فعالیت‌های مطبوعاتی در آن دوره نیز حائز اهمیت است. در مقایسه با مطبوعات اروپایی، چاپ و انتشار جراید و مطبوعات در ایران با کندی و آهستگی پیش رفت. شاید مهمترین دلیل این موضوع، وا استگی نخستین نشریات به دولت است. در آن دوره، جراید و مطبوعات ایران از طرف اداره انتبااعات و یا ادارات مشابه آن تهیه، چاپ و منتشر می‌شد. تا اینکه از اواسط دوره ناصرالدین شاه به تدریج مطبوعات فارسی زبان غیردولتی متولد شد. رویکرد چاپ این گونه

نشریات نخست از بین جامعه‌های ایرانیان خارج از کشور (عثمانی و هندوستان) آغاز شده و سپس به داخل ایران سرایت کرد. به نحوی که در طول دهه ۱۳۱۴-۱۳۲۴ قمری / ۱۲۷۵-۱۲۸۵ خورشیدی تعداد این گونه نشریات به سرعت افزایش یافت. در این میان کادر مدیریت و گردانندگان نشریات فارسی زبان خارج از کشور به دلیل حضور در کشورهایی که از نظر فنی و مهارت‌های روزنامه‌نگاری به مراتب از ایران جلوتر بودند، نشریاتی با کیفیت بالاتر و بهتر چه از نظر محتوا و چه از نظر اصول صفحه‌آرایی و چاپ، تهیه و منتشر می‌کردند. آشنایی با روش‌های مورد استفاده در مطبوعات خارجی، آنان را به سمت به کارگیری روش مصاحبه با رجال و شخصیت‌های سیاسی و غیرسیاسی واستفاده از محتوای تولید شده در لابلای صفحات نشریات شان هدایت کرد. از سویی دیگر پیروزی انقلاب مشروطه‌یت به منزله بازشدن فضای سیاسی و مطبوعاتی در کشور بود. متعاقباً مدیران و گردانندگان جراید داخلی نیاز از فرصت استفاده کرده و تا سرحد امکان در استفاده از روش‌های مطبوعاتی به منظور بالا بردن کیفیت محتوا و شیوه چاپ جراید کوشش کردند. در همین راستا استفاده از «مصاحبه» نیز به تدریج در مطبوعات داخلی رواج یافت. بدین ترتیب در طول دو دهه بعد تا سال ۱۳۰۴ تعداد زیادی مصاحبه، گفتگو و اقتراح^۱ در مطبوعات فارسی زبان داخل و خارج از کشور چاپ شد که متن آنها توسط خبرنگاران داخلی و خارجی تهیه شده بود. مطالعه و مقایسه آن مصاحبه‌ها با یکدیگر، امکان مقایسه دانش جریده‌نگاری و شیوه‌های مورد استفاده در مصاحبه‌ها در داخل کشور و آنچه در جریده‌نگاری آن روز دنیا مطرح بود را فراهم می‌سازد.

فاغ از آنچه پیرامون مصاحبه‌های ارائه شده در کتاب حاضر بیان گردید، متن یک «مصاحبه» می‌تواند در جایگاه یک منبع تاریخی نیز مورد استفاده قرار گیرد. منابع تاریخ‌نگاری به طور متعارف شامل مدارک مکتوب (همچون مدارک دولتی، خصوصی، اعلان‌ها)، مدارک تجسمی (همچون سکه، مُهر، ابنيه)، مدارک گفتاری

۱. مصاحبه‌ای که در آن تعدادی مصاحبه شونده به یک سؤال واحد پاسخ داده و عموماً پاسخ‌ها به شکل مکتوب بوده و در برخی موارد نیز در ضمن یک گفتگوی زنده پاسخ به آن سوالات ارائه می‌شد.

وشنیداری (همچون خاطرات، سخنرانی‌ها) و درنهایت مدارک تصویری (همچون عکس، نقشه و تصویر) می‌باشد. براین اساس مصاحبه‌ها و اطلاعات موجود در آنها رانیز می‌توان به عنوان یکی از منابع تاریخی مورد استفاده قرار داد. «مصاحبه» بر اساس گفتگو میان دو فرد یا چند فرد با یکدیگر در قالب پرسش‌گر و پاسخ‌دهنده استوار بوده که در اصل با حضور طرفین شرکت کننده انجام شده، ولی می‌تواند به شکل مکتوب و از طریق طرح سوالات و همچنین ارائه پاسخ‌ها نیز به شکل مکتوب انجام گیرد. «مصاحبه»، گفتگویی رسانه‌ای و مطبوعاتی است که به منظور انتشار اطلاعات، نظرات، دیدگاه‌ها، تحلیل‌ها و ادعاهای مصاحبه‌شونده پیرامون مسائل گوناگون و آگاه ساختن جامعه از آنها تهیه شده و در خلال آن یک یا دو یا چند نفر به عنوان مصاحبه کننده، سوالات خود را از یک یا دو یا چند نفر پرسیده و پاسخ‌های دریافت شده را پس از آماده ساختن، منتشر می‌نمایند.

بنابراین خصوصیات اصلی «مصاحبه» به عنوان یک منبع تاریخی شامل: وجود یک یا چند سوال کننده، وجود یک یا چند پاسخ‌دهنده (به طور همزمان و یا مرتب‌طی) و بالآخره قصد و اراده انتشار عمومی متن پرسش‌ها و پاسخ‌های مطرح شده از طریق مطبوعات، رسانه‌ها و سایر راه‌های محتمل، می‌باشد.

فارغ از شکل انجام «مصاحبه»، طراوت و پویایی مصاحبه با پاسخ‌گشتن فرد مصاحبه‌شونده و به چالش کشیدن پاسخ‌ها و نظرات و تحلیل‌های ارائه شده از سوی وی توسط سوال کننده، ویژگی خاص و منحصر به فرد این نوع از مدارک تاریخی می‌باشد. بدیهی است چنین حالتی در بهترین وضعیت خود، به هنگام حضوری بودن مصاحبه و گفتگو، امکان پذیر است. اما مصاحبه‌های مکتوب نیز کماکان واجد سطح نازل‌تری از آن ویژگی هستند. در مجموعه پیش رو تقریباً تمامی مصاحبه‌ها به شکل حضوری انجام شده و تنها چند مورد از آنها و از جمله اقتراح آینده ایران در سال ۱۳۳۲ قمری / فروردین ۱۲۹۳ و مصاحبه‌های زمستان ۱۳۰۴ که از طرف روزنامه شفق سرخ با جمعی از رجال سرشناس انجام گرفت، رامی توان به عنوان مصاحبه‌های مکتوب معرفی کرد.

یکی دیگر از ویژگی‌های «مصاحبه» به عنوان یک منبع تاریخی، امکان ارزیابی و سنجش صحت مطالب و اطلاعات ارائه شده در آن، به طور همزمان و یا در فاصله

نزدیک زمانی است. فرایند ارزیابی و صحبت‌سنجه اطلاعات و نیز تحلیل‌های ارائه شده از سوی مصاحبہ شونده در دو سطح داخلی و خارجی انجام می‌شود. منظور از سطح داخلی، ارزیابی و صحبت‌سنجه از طرف فرد مصاحبہ کننده است. بدین معنا که مصاحبہ کننده این امکان را دارد که پس از شنیدن پاسخ‌های ارائه شده به سوال اش، آنها را مورد ارزیابی قرار داده و در صورت تصور وجود مغایرت، ابهام و خلاف‌گویی در پاسخ، با طرح سوالی جدید، نسبت به رفع ابهام و یا آشکار ساختن خلاف‌گویی در پاسخ ارائه شده، اقدام نماید.

ویریگی نقدپذیری مذکور در سطحی دیگر نیز برای «محاسبه» قابل تصور است و آن هنگامی می‌باشد که متن مصاحبہ منتشر شده و در دسترس همگان قرار گیرد. بدین ترتیب اطلاعات، ادعاهای و مطالب مطرح شده از سوی مصاحبہ شونده در معرض قضاوی همگانی، صاحب‌نظران و مهمتر از همه، افراد مرتبط با اطلاعات و اخبار و ادعاهای مطرح شده، قرار خواهد گرفت. البته بدیهی است چنین وضعیتی شامل مصاحبه‌ای می‌شود که در یک حالت متعارف انجام گرفته و در یک فاصله زمانی معقول منتشر شود. و گرنه بدیهی است هرچه فاصله بین زمان انجام «محاسبه» تا زمان انتشار «محاسبه» بیشتر شود، ویریگی مورد بحث کم رنگ‌تر خواهد شد. نمونه‌ای از این دست مصاحبه‌ها که در کتاب حاضر ارائه شده، مصاحبہ موریس پرتو با سردار سپه رئیس‌الوزرای وقت در اوایل سال ۱۳۰۴ و در تهران است. متن فارسی مصاحبہ مذبور در حدود دو دهه بعد و در دهه ۱۳۲۰ در ایران منتشر شد.

یکی دیگر از ویریگی‌های «محاسبه» میزان اندک تأثیرگذاری عوامل بیرونی بر فرایند انجام و تهیه آن است. برای آشنایی با ابعاد این ویریگی می‌توان به نحوه تهیه مدارک دولتی که از آنها با عنوان «سنده» در آرشیوهای دولتی و شبه دولتی نگهداری می‌شود، یاد کرد. هریک از آن مدارک از زمان اراده انجام تا تولیدشان، (مثلًا متن یک بخش‌نامه) مراحل مختلفی را گذرانده و متن نهایی آنها تحت تأثیر عوامل بسیاری از جمله تعیین موضوع، تهیه متن اولیه، ویرایش متن، تهیه متن نهایی، تصویب متن نهایی که معمولاً توسط چند فرد انجام می‌شود، قرار گرفته است. در حالی که در فرایند انجام یک «محاسبه» که در یک زمان مشخص انجام گرفته و ماحصل گفتگوی زنده‌ای است، احتمال تأثیرگذاری عوامل بیرونی بر افراد

حاضر در «مصاحبه»، بسیار کم می‌باشد.

به عنوان نکته آخر می‌توان اشاره‌ای نیز به تفاوت «مصاحبه» با تاریخ شفاهی نمود. در تاریخ شفاهی،^۱ اساس کاربر مبنای خاطره‌گویی فرد نهاده شده است. افرادی که معمولاً در سینه بالا و در فاصله زمانی بسیار با زمان یک واقعه، از نحوه حضورش در آن واقعه و یا تحلیل اش در مورد آن، سخن می‌گوید. در حالی که در «مصاحبه»، فرد به دلیل همزمانی و یا فاصله اندک زمان انجام مصاحبه با واقعه و نیز انتشار همگانی آن، فرد مصاحبه شونده می‌داند که باید در مقابل اظهاراتش پاسخ‌گویوده و به همین دلیل احساس مسئولیت بیشتری در برابر ادعاهای و نظراتش دارد.

بنابراین «مصاحبه» به عنوان یک منبع تاریخی، از ویژگی‌ها، خصوصیات و ارزش‌های متفاوتی نسبت به دیگر منابع تاریخی برخوردار است که بررسی آنها در کتاب حاضر را به همین مختصراً محدود کرده و بحث مبسوط‌تر را به فرصتی دیگر وامی گذاریم.

در پایان می‌باید نکته مهمی را پیرامون رسم الخط متن‌های مصاحبه‌ها خاطرنشان ساخت. متن‌های حاضر همان‌گونه که در پاورپوینت صفحه نخست هریک مشخص شده، در طول یک دوره چهل ساله (از ۱۳۰۵-۱۳۴۴ قمری / ۱۲۶۴-۱۳۰۴ خورشیدی) تهیه شده است. در طول آن ایام رسم الخط فارسی به شدت در تغییر و تحول بود. علاوه بر آن و به ویژه در مورد مصاحبه‌های ترجمه شده، مترجمین هر مصاحبه بسته به محل چاپ و انتشار نشریه و جریده‌ای که متن ترجمه شده در آن چاپ می‌شد، محل تحصیلات و زندگانی (در فرانسه، انگلیس، روسیه، مصر، هندوستان یا عثمانی...)، سلایق مختلفی را در نگارش کلمات متن مصاحبه به کار می‌بردند. این موضوع سبب پدید آمدن گونه‌های مختلفی از رسم الخط کلمات یکسان در متون مصاحبه‌ها در کتاب حاضر شده است که به دلیل پایین‌دی به اصالت متن، تغییری در رسم الخط‌های اصلی داده نشده و متن‌ها به همان شکلی

۱. البته نه به شکلی که در چند دهه اخیر در ایران مرسوم شده و آلوده به اغراض سیاسی است.

که در منابع اصلی چاپ گردیده، در این کتاب نیزاره شده است.

مطمئناً در طول سال‌های مورد بررسی مجموعهٔ حاضر، تعداد زیادی از مصاحبه خبرنگاران خارجی با مقامات، رجال و شخصیت‌های ایرانی وجود دارد که به دلیل عدم دسترسی به منبع اصلی و عدم ترجمه و چاپ آنها در مطبوعات فارسی زبان منتشر شده در دورهٔ زمانی مذکور، از دسترس نگارندهٔ این سطور خارج می‌باشد. امید است در آینده با دسترسی به نسخه‌های اصل نشریات معتبر خارجی، به تعداد هر چه بیشتر آن مصاحبه‌ها دسترسی یافته و متن آنها را در اختیار پژوهش‌گران، محققین و مورخین تاریخ معاصر ایران قرار داد.^{*}

در پایان تشکر و سپاس خود را نسبت به مدیریت انتشارات کتاب پیام امروز آقای محمدعلی مرادی و نیز خانم مریم مولاوی (همسر اینجانب) به دلیل کمک در فراهم ساختن امکان چاپ و انتشار کتاب حاضر ابراز می‌دارم.

مسعود کوهستانی نژاد

تیر ۱۳۹۸

۱. منابع هریک از مصاحبه‌ها، به شکل ارجاع کلی به نشریه حاوی مصاحبه در یک سال، انجام شده است. فهرست دقیق‌تر منابع در دفتر انتشارات کتاب پیام امروز وجود دارد که در صورت نیاز، می‌توان به آنها مراجعه کرد.

* در تهیه و توضیح برخی از پاورپوینت‌ها، از منابع ذیل استفاده شده است: (حسن مرسلوند؛ زندگی نامه رجال و مشاهیر ایران، جلد اول، تهران، نشر الهم، ۱۳۶۹)، (باقر عاقلی؛ شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، جلد ۲، تهران، نشر گفتار، ۱۳۶۹) و (سید حسن سادات ناصری؛ سرآمدان فرهنگ و تاریخ ایران، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر [بی‌تا]).

احمد شاه^۱

【مصاحبه خبرنگار جریده افهام چاپ اسلامبول با
احمدشاه و نصرتالدوله فیروز در اسلامبول
ذیحجه ۱۳۳۷قمری / شهریور ۱۲۹۸】

بار دادن اعلیحضرت شاه ایران محرر ما را به حضور همایون خودشان

غاایت سیاحت ایشان، احساسات ایشان نسبت به سلطان، چه وقت تشریف
می‌برند؟، به کجاها تشریف خواهند برد؟، ائتلاف ایران با انگلیس، وضعیت
عمومی ایران،

برای آنکه به شرف ملاقات اعلیحضرت سلطان احمد شاه قاجار که از چند روز
قبل در شهر ما به عنوان مسافرت تشریف دارند، مشرف شده و احساسات ایشان را
از این مسافرت کشف نمائیم. دیروز در جزیره «بیوک آله - برنکپیو» به هتل
«اسپلاندید پلاس» محل اقامت اعلیحضرت شهامت پناهی رفتم. در نزدیکی درب
هتل با جناب مرتضی خان فرهنگ ویس قنسول ایران در اسلامبول مصادف شدم.
پس از آنکه از مقصود ما در این زیارت مطلع شد، ما را با کمال نزاکت به سالن
رهنمائی کرد. در سالن پس از یکی دو دقیقه توقف [با] آقای نصرتالدوله^۲ وزیر امور

۱. آخرین پادشاه سلسله قاجار و فرزند محمد علی شاه که در سال ۱۳۱۴ قمری / ۱۲۷۵ خورشیدی متولد شده و در سال ۱۳۳۲ قمری / ۱۲۹۳ خورشیدی تاجگذاری نمود. او در آبان ۱۳۰۴ رسمآرا سلطنت خلع شده و در سال ۱۳۰۸ به هنگام اقامت در فرانسه درگذشت. ر.ک: حسن مرسلوند، زندگی نامه رجال و مشاهیر ایران، جلد اول. تهران: انتشارات الهام، ۱۳۶۹، صص ۸۵-۸۹

۲. در اصل نصرتالسلطنه است که خبرنگار اشتباه کرده است.

خارجه ایران ملاقی شدم. از ایشان جویا شدم تشرف به حضور اعلیحضرت ممکن است یا خیر؟ گفتند: اگر اعلیحضرت محررین را به حضور خود قبول نفرمایند، برای شما به یک صورت اختصاص می‌توانم مساعدت تحصیل کنم. فقط باید این ملاقات مختص و در زمان کمی بوده باشد. زیرا که اعلیحضرت عزیمت فرموده‌اند که به نزد والده خود بروند.

پس از یکی دو دقیقه که در زیر طاق نمای مزین، منتظر امر اعلیحضرت بودم، اعلیحضرت شاه از درب آتاقی که دونفراتاین انگلیسی قراول داشتند، با یک وقار و سکینه تشریف آوردند. اعلیحضرت در سن ۲۲ سالگی با قد فی الجمله کوتاه و منظرة آرام و خوش خلقی با رنگ سفیدی متمایل به صفرت^۱ که به چهره ایشان یک نور خفیفی می‌داد، به نظر آمدند. در خروجی‌ها و بالاخانه‌های هتل و درها و باغچه، از دحام زیادی برای تماشای مسافر محترم پایتخت ما جمع شده بودند. در جلوی در، وزراء و مأمورین تشریفات توقف داشتند. در رسیدن به وسط سالن، نواب نصرت‌الدوله وزیر خارجه به ایشان نزدیک شد و سبب تشرف ما را عرض نمود. اعلیحضرت با یک تبسم لطیفی برای یکی دو دقیقه مذاکره اجازه فرموده و اجازه دادند.

همین که نزدیک ذات همایونی رسیدم با یک اسلوب شاهانه دست دراز کردند و فرمودند آیا فرانسه می‌دانید؟ عرض کردم بلی اعلیحضرت. [از من سوال کردند:] از من چه می‌خواهید؟

[جواب دادم:] آیا در خصوص سیاحت خودتان و احساسات آن اعلیحضرت نسبت به اسلامبول مساعدت و اجازه پرسش می‌فرماید؟

[جواب دادند:] از نمایشات و پذیرائی صمیمی و محبت کارانه که در اسلامبول دیدم، خیلی متحسن[?] و ممنونم. فقط خیلی دیر شده. اینک به زیارت پدرم می‌روم که نمی‌توانم خیلی توقف کنم. هر چه را که از من می‌خواهید جویا شوید، می‌توانید از وزیر خارجه (به دست اشاره به او فرمودند). تحصیل اطلاع نمائید.

پس از آن با یک اسلوب محتشم‌انه سرخود را برای تعارف حرکت داده و پس از

تعارف حرکت، فرمودند. ملتزمین رکاب همایونی که در سالن توقف داشتند، با سر به طور خشوع، پادشاه محبوب خود را سلام دادند. اعلیحضرت شاه با یک طور به غایت چاپکی از پله‌ها پائین رفته و داخل در اتومبیل شدند. عساکرانگلیس که در پائین بودند، رسم سلام را به جای آوردنده و اعلیحضرت به آنها جواب داده و اتومبیل حرکت کرده و به طرف اقامتگاه والده آن اعلیحضرت رسپار شدند.

سپس بر حسب اراده اعلیحضرت، وزیر خارجه جوان ایران تکلیف جلوس در سالن و مذاکره را نموده و با کمال نزاکت توضیحات ذیل را دادند:

اولاً می‌خواهم برای شما احساسات اعلیحضرت را بیان کنم. اعلیحضرت خیلی اسلامبول شما را دوست دارد و از محبت و مهربانی و مسافرپروری که چه از طرف اهالی و چه از طرف مطبوعات ظاهرگردید، به غایت متحسن هستند. اعلیحضرت شاه از فلاتکتی که حالیه ملت ترک و سلطان ترک را احاطه کرده، بسی مکدر هستند.

س: آیا ممکن است در خصوص احساسات اعلیحضرت در ملاقات با اعلیحضرت سلطان، مرا مطلع سازید؟

ج: ملاقات دو حکمران اسلام خیلی صمیمی و خیلی ساده واقع شد. اعلیحضرت شاه از ملاطفت‌های سلطان که نسبت به ایشان ظاهرگردید، فوق العاده متشرک‌گردید. چنان که ممنونیت‌های متولده از این ملاقات دو پادشاه، در چشم‌های ایشان خوانده می‌شد. خلاصه دو حکmdار همدیگر را بس زیاد تقدیر و همین طریق زیاد محبت نمودند و به این اعتبار برای این دو ملت، این مناسبات بسی خوب است.

س: در اینجا چقدر توقف خواهند نمود؟

ج: بر حسب میل اعلیحضرت شاه، به قدریک هفته در اینجا خواهیم بود و سپس با کشتی زره پوش «سزر» به (تاران ته) خواهیم رفت و از آنجا به سوئیس رفته و پس از توقف چند روز، به آمریکا خواهیم رفت. نقطه آخر مسافت مالندن خواهد بود و محتمل است که در آنجا هم یک کمی توقف کنیم. به این ترتیب سیاحت ما

شش هفت ماه طول خواهد کشید.

س: آیا می‌توانم من مطلع شوم که مقصود از این سیاحت چیست؟

ج: مقصود صرف گردش کردن و اروپا را شناختن است. اعلیحضرت می‌خواهند به این طریق رجال اروپا و امریکا و محیط آنها را از نزدیک تماشا و تماس نمایند.

س: رفاقت ذات عالی مقام شما در این سیاحت و ملازمت رکاب شهریاری، دلیل این نیست که این مسافرت یک غایت سیاسی داشته است؟

ج: ابدآ! من بر حسب وظیفه خودم که منسوب به خاندان سلطنت هستم، مثل یک نفر عضو، ملازمت می‌نمایم و هیچ مقصد رسمی و سیاسی ندارم.

س: در این اوخریک ائتلاف سیاسی بین انگلیس و ایران منعقد گشته^۱، آیا در این باب، جزئی معلومات لطف می‌فرمائید؟

ج: بلی! یک چنین ائتلافی را بستیم و در تهران امضاء کردیم. این ائتلاف نامه برای ما حائز شرایط فوق العاده مساعد است. انگلیسی‌ها استقلال ما را تاماً می‌شناسند و حتی آن را تأمین و تکفل می‌کنند. وضعیت ایران در این ائتلاف نامه، وضعیت یک ملتی است که مستقل و به حال واستقبال خود حاکم باشد. بنابراین برای مانه حمایت انگلیس و نه قیومیت انگلیس، هیچ کدام موضوع بحث نیست.

س: راجع به اوضاع عمومی ایران معلومات مختصری به ما می‌دهید؟

ج: ایران در اثنای حرب برای محافظت بی‌طرفی خودش، به قدر ملل دیگر متضرر نشده است. تنها در نقاطی که اردوهای روس و ترک اشغال کردند، اهالی از حرب متأثر و متضرر شدند. با وجود این به اعتبار عمومی، احوال داخلی در ایران فوق العاده شایان ممنونیت است. قحطی قطعاً وجود ندارد. تنها تنگی معیشت که

۱. مقصود قرارداد ۱۹۱۹ است.

در هر طرف دنیا حکمران است، در آنجا نیز حکم‌فرما است.

س: راجع به مناسبات آینده ایران و ترک چه می‌فرماید؟

ج: هیچ دولتی نیست که به قدر این ایرانی و عثمانی مجبور به دوستی یکدیگر بوده باشند. به این جهت ما قبل‌آمی خواهیم با ترک‌ها فوق العاده به خوبی و حسن مناسبت رفتار کنیم و اولین آزوی متأمین کردن کثیر روابط صمیمی بین این دو مملکت است. انشاء الله بعد از صلح، ما موفق خواهیم شد که صمیمانه ترو بهتر از سابق یکدیگر را شناخته و تأسیس مناسبات حسنی بنماییم.

[توضیح خبرنگار روزنامه افهام:]

اعلیحضرت سلطان احمد شاه یک حکمران فوق العاده مایل و شایق به علم و تتبیع است و در تهران یک کتابخانه کوچک به غایت قشنگی داشته و در آنجاتا مدتی از شب گذشته به مطالعه کتب علمی و فلسفی می‌گذرانند. موسیقی را بسی دوست دارند. پیانومی نوازند. فرانسه را کامل‌آمیل یک نفر فرانسوی تلفظ می‌کنند. اعلیحضرت دوازده سال است که پدر خود راندیده است. به مجرد ورود به اسلامبول به زیارت پدر خود رفته والده ایشان از ملاقات فرزند خود به اندازه‌ای مسروگردیده که از هوش رفته است. حالیه هم همه روزه به ملاقات والدین خود می‌روند. بالآخره من از شاهزاده معظم به واسطه ایضاحتی که مرحمت کرده و تشکر از مهمان نوازی سلطان و اهالی اسلامبول از معظم‌له تشکر نموده و از یکدیگر جدا شدیم.

افهام، منطبعه اسلامبول^۱

۱. مصاحبه مذکور در شماره‌ای از روزنامه ایران در سال ۱۳۳۸ قمری چاپ شد.

ارباب کیخسرو شاهرخ^۱

[صاحبه خبرنگار روزنامه رعد با ارباب کیخسرو]

صفر ۱۳۳۶ قمری / آبان ۱۲۹۶]

راجع به خرید گندم

روز گذشته [چهارشنبه ۵ صفر / ۱۹ عقرب] مخبر مخصوص ما آقای ارباب کیخسرو را ملاقات و در مخصوص خریداری و حمل گندم، سنوالات ذیل را نموده است:

۱- از چه وقت شروع به خرید گندم نموده اید؟

- از دهم ذیقده

۲- قرارداد کتبی با دولت بسته اید؟

- خیرا دولت امر فرمودند. بنده هم مشغول خرید شدم.

۳- چقدر مقرر شده بود گندم ابتداء فرمایند؟

- در ابتدا پانزده هزار خروار دولت امر فرمودند بخرم. پس از چندی مقرر شد پانزده هزار خروار دیگر هم گندم بخرم. به شرطی که خباز گندم نخرد. مجدداً گندم خریدن خباز آزاد شد و به من امر شد هر قدر بتوانم گندم خریداری کنم.

۱. متولد سال ۱۲۵۳ و از جمله ایرانیان زردشتی مشروطه خواه بود که در دوره دوم مجلس شورای ملی به نمایندگی از سوی هم کیشانش انتخاب شده و جمعاً یازده دوره نماینده مجلس بود. تا اینکه در سال ۱۳۱۹ توسط مأمورین اداره شهریانی به قتل رسید. حسن مرسلوند، همان، صص ۱۴۰-۱۲۳

۴- تاکنون چه مقدار گندم خریده اید؟

- آنچه اطلاع دارم دوازده هزار و دویست و پنجاه خروار خریده شده و تا روز گذشته مقدار شش هزار و سیصد و بیست و شش خروار گندم وارد تهران شده و دو هزار و دویست خروار در بین راه است و بقیه هم در محل است که به مرور حمل می شود. ممکن است که علاوه از مقدار فوق هم خرید شده و تاکنون به من اطلاع نرسیده باشد.

۵- به چه قیمت وارد تهران شده است؟

- به تفاوت کرایه و قیمت خرید در محل از ۳۵ تومان الی ۵۰ تومان وارد انبار شده است.

۶- جنس از چه نقاطی خریده اید؟

- از عراق [اراک] خرقان، قزوین، خوار، ساوجبلاغ و دامغان

۷- از حیث حمل و نقل دچار اشکالی هستند؟

- خیرا من در ابتدای کار، فوراً برای پانزده هزار خروار جنس شتر تهیه کردم. از حیث وسایل حمل و نقل راحت و آسوده هستم و اگر این پیش‌بینی را نکرده بودم، قطعاً دچار اشکالات فوق العاده می شدم.

۸- درین عملیات به چه موانع و اشکالاتی دچار شدید؟

- دو مانع مهم پیش آمده که خیلی اسباب زحمت است و جلوگیری از موفقیت کامل من در تهیه جنس برای تهران نموده است و آن دو مانع: یکی ملاکین و دیگری مأمورین دولت [هستند]. ملاکین که هر کدام چندین هزار خروار جنس را اختکار کرده‌اند که فردا با خون مردم مبادله کنند، به محض اینکه می‌بینند دولت شروع به خرید گندم نموده، فوراً مردم را تحریک به شورش و بلوا می‌نمایند. حکام نیز که اغلب خودشان از همان ملاکین می‌باشند، تلگرافات به دولت می‌کنند که در محل گندم برای اهالی نیست؛ مردم شورش کرده‌اند و به این طریق خاطراولیاء

دولت را متوجه می‌نمایند. این علت بزرگ باعث شده که کار به خوبی پیشرفت نمی‌کند.

بنده شترو دوچرخه و جوال تهیه کرده و فرستادم قزوین که گندم خریداری را حمل کند. به همین تحریکات، حکومت ممانعت از حمل گندم نمود و مدتی شتر را در آنجا معطل کرد و به دولت تلگراف کرد که مردم نمی‌گذارند، شورش می‌شود و غیره! تا بالآخره دولت آقا میرزا مصطفی خان را برای کشف حقیقت و حمل جنس به قزوین فرستاد. همچنین در عراق [اراک] امثال حاجی سهم‌الملک که چندین هزار خروار گندم دارد، هر روز به عنوانی اسباب مزاحمت می‌شوند. چنانچه در سر خرمن در عراق [اراک] گندم خرواری یازده تومان بود. تا دولت خریداری کرد، فوراً گندم به چهل و دو تومان رسید. تا اینکه دولت مجبور شد دور روز قبل تلگرافاً امر کند که گندم عراق [اراک] باید در ۲۵ الی ۲۸ [تومان] به فروش برسد و همچنین در آنجا هم برای حمل گندم دچار ممانعت اهالی و مأمورین دولت بودم و اکنون اقتدار الدله رفته است که گندم را حمل نماید.

یک علت دیگری که باعث بعضی تحریکات شده این است که بنده شتر را قبل اکرایه کرده و حاضر نموده بودم و عنوان مال بگیری در بین نیست که بعضی‌ها از آن منافعی ببرند.

۹- در نقاطی که گندم ابیاع فرموده‌اید، باز هم جنس هست و می‌توان خرید؟
 - بلی! در این نقاط جنس فراوان است و اخیراً مأمورین دولت در عراق [اراک] چندین هزار خروار جنس محتکرین را کشف کرده‌اند و یقین دارم قریب بیست هزار خروار در عراق [اراک] جنس در انبارها مخفی است. همچنین در قزوین جنس مخفی فراوان است. از قراری که رپورت به من داده‌اند در بلوك زهرا، در خوار و ساوجبلاغ ده هزار خروار زیادتر از درجهٔ احتیاج اهالی جنس موجود است.

۱۰- چرا از خمسه و همدان تهیه جنس نکردید؟ آیا در آن نقاط جنس موجود است؟

- در دونقطه فوق هم جنس فراوان است. ولی چون حکومت خمسه خودش

مَلَك و امیر مفخم هم متنفذ همدان و تنها سه چهار هزار خروار در در جزین جنس دارد، قطعاً اگر دست به خرید جنس می‌زدم، شورش و تحریکاتی حاصل می‌شد. به این واسطه تاکنون راضی به خرید از این دونقطه نشده‌ام و دولت هم حاجی ساعدالسلطنه را به همدان فرستاده است برای جنس. بدیهی است اگر دولت مساعدت کامل بکند، از خمسه و همدان جنس زیادتری هم برای تهران تهییه می‌توان کرد و اهالی آنجاها به این قحطی مصنوعی دچار نمی‌شوند.^۱

۱. مصاحبه مذکور در شماره‌ای از روزنامه رعد در سال ۱۳۳۶ قمری چاپ شد.

ارفع‌الدوله، رضاخان^۱

[صاحبہ مدیر جریدہ بادکوبہ با پرنس ارفع‌الدوله وزیر علوم
و معارف در باکو اواسط ۱۳۳۱ قمری / ۱۹۱۳]

وزیر معارف ایران در تفلیس و بادکوبه

[توضیح مدیریت هفته نامه چهره‌نما]: هنگام ورود پرنس ارفع‌الدوله وزیر علوم و معارف جدید ایران در تفلیس، همه گونه احترامات شایسته چه از طرف دولت روس و چه از [طرف] عموم ایرانیان خاصه جناب ساعدالوزاره جنرال قنسول ایران در تفلیس، به عمل آمده وزیر موصوف محض احاطه یافتن به طرق معارف حدیثه، چند روزی در تفلیس بیش از معمول مانده و با جناب (رودلوف) مدیر کلیه معارف فرقه‌ایه در باب آگاهی از پروگرام مکاتب و مدارس علمی و صنایعی پسرانه و دخترانه فرقه‌ایه بسا تحقیقات نموده و جمله را کتبیاً جواب گرفته و (رودلوف) مخصوصاً قول داده از برای توسعه معارف و مدارس ایران، همراهی ادبی خواهد کرد و در هر مرور بیانات لازمه خواهد فرستاد.

وقتی که پرنس ارفع‌الدوله به ایستگاه راه‌آهن بادکوبه رسید، جناب نصرت‌الدوله قنسول دولت ایران و اجزاء قنسول‌گری و عموم تجار ایرانی و بسا دوستان خاصه پرنس مذکور، به استقبال آمده بودند و معظم له را براتومبیل سوار و به قنسول خانه دولت ایران ورود دادند و ضمناً تمام مدارس و مکاتب و معارف بادکوبه را گردش

۱. ارفع‌الدوله، میرزا رضا خان فرزند حاج شیخ حسن در سال ۱۲۷۰ قمری / ۱۳۳۳ خورشیدی در تبریز متولد شد و مراحل رشد و ترقی خود در دستگاه اداری قاجار را از مترجمی آغاز کرده و تا وزارت به پیش رفت. او در سال ۱۳۱۶ در تهران درگذشت. مرسلوند، همان، صص ۱۴۲-۱۳۸

نمودند. از اربابِ جراید بادکوبه، مدیر جریده (بادکوبه) را پرنس پذیرفته و مکالماتی بین‌شان شد که خالی از اهمیت نیست.

سؤال مدیر: آیا ممکن حضرت اشرف است درباره معارف حاليه ايران معلوماتي بددهد که چه درنظر [حضرت] اشرف هست؟

پرنس ارفع‌الدوله: من باید برای اجرای مقاصد ترقی خواهانه‌ام و پیشرفت توسعه معارف ایران، خیلی با حزم و تأثی و تجارب رفتار نمایم و مقدم باید حال حاضره ایران را به نظر دقت بنگرم و آن وقت بعضی پروگرام‌های معارف را اجرا نمایم که در پیش ملت عزیزو وطن محبویم سربلند گردم. من عمدۀ اوقاتم را در ایران صرف مدارس صنایع خواهم نمود. زیرا نتایج تحصیلات محصلین مدارس صنایع فواید کثیره به خود و ملت و دولت وطنشان خواهد داد و همچنین دولت ایران هم آن قوه راندارد که حاليه صرف هرگونه مدارس بنماید واهم مدارس ایران، مدارس صنایع خواهد بود و معلم‌ها و صنایع‌کاران از روسیه و بلاد محقره اروپا خواهم جذب کرد و محصلین صنایع به قفقازیه خصوصاً تفلیس و بادکوبه خواهم فرستاد. اینکه با مدیران مدارس تفلیس و بادکوبه درباب مصاريف سالیانه هرشاگرد گفتگو کرده‌ام. در تفلیس دویست و پنجاه مَنَات و در بادکوبه صدو هشتاد مَنَات است که عده‌ای را خواهم فرستاد.

سؤال مدیر: بفرمائید پروگرامی که می‌خواهید در ایران اجرا بدارید آیا متعلق به معارف و ترقیات زنان و دختران هم هست یا متعلق به جهت پسران است؟

پرنس ارفع‌الدوله: زن‌های اروپا در ترقی و مدنیت حاضره شریک و سهیم بوده‌اند و فرق مابین زنان آسیا و اروپا خلق‌تاً نبوده، مگر عدم علم و من مکاتب و مدارس دخترانه را توسعه خواهم داد و مدارس بسیاری برای دوشیزگان باز خواهم کرد.

این را هم خارج از سؤالات شما می‌گوییم، ایران امروز به واسطه دادن امتیازات

راه آهن و معادن روز به روز رو به ترقی است و بسا معادن آشکار خواهد شد که خود قوهٔ بزرگی برای صنایع کاران است و مدنیت ایران با روسیه به واسطه داشتن بسا امتیازات روس از ایران، همدوش خواهد شد.

(ن.س.زاده)^۱

همچنین در اقتراح و مصاحبه شماره ۷۷

۱. مصاحبه مذکور در شماره‌ای از هفته‌نامه چهره‌نما در سال ۱۳۳۱ قمری چاپ شد.

اعلم، امیر^۱

[مصاحبه خبرنگار روزنامه مردآزاد با امیراعلم در مورد تأسیس جمعیت
شیروخورشید تیر ۱۳۰۲ / ذی قعده ۱۳۴۱ قمری]

ملاقات و مذاکرات مخبر ما با آقای امیراعلم

س- به طوری که اطلاع یافته ایم دولت افغانستان تقاضای شرکت در انجمان بین المللی صلیب احمر را نموده و قبول شده و عماً قریب جمعیت خیریه ملی خود را تشکیل و رسمآ به انجمان بین المللی (ژنو) معرفی خواهند کرد. لذا اجازه می دهید از حضرت عالی سؤال نمایم دولت علیه که پنجاه سال قبل معاہده بین المللی (ژنو) را قبول و امضاء فرموده و برای علامت جمعیت خیریه خود، شیروخورشید احمر را پیشنهاد کرد، چون این پیشنهاد در انجمان بین المللی رسمآ شناخته شده و قریب به پنج و نیم سال است شنیده می شود که جمعیت شیروخورشید سرخ در شرُف تشکیل است و هنوز اثری از آن دیده نشده، آیا ممکن است بفرمائید این مسئله به کجا رسید و حال که جناب عالی هم به ترتیت تشریف می برد، گمان نمی فرمائید که این مسئله مهم به عهده تعویق افتد؟

ج- بلى! اطلاع جناب عالی صحیح است. خبر رسمی تقاضای شرکت دولت علیه افغانستان به مجلس حفظ الصحة دولتی نیز توسط وزارت جلیله خارجه رسیده و باعث مسرت گردید. راجع به جمعیت شیروخورشید ایران صحیح است.

۱. امیرخان ملقب به امیراعلم فرزند حاج میرزا علی اکبر معتمدالوزار، متولد ۱۲۵۵ و متوفی در سال ۱۳۴۰ است. او علاوه بر نمایندگی در چند دوره مجلس شورای ملی، سنا تور انتصابی مجلس سنای و چند نوبت پست وزارت در کابینه های مختلف را نیز بر عهده داشت. مرسلوند، همان، ص ۲۷۱

دولت علیه ایران هم معاهده بین‌المللی (ژنو) را در پنجم دسامبر ۱۸۷۴ میلادی امضاء فرموده و علامت شیروخورشید سرخ را برای خود انتخاب و در انجمان بین‌المللی رسمیاً شناخته شده است.

س- از این قرار البتہ می‌توان ایراد کرد که چرا در این مدت سالیان دراز، اولیای امور در فکر تشکیل جمعیت خیریه ملی شیروخورشید سرخ نیفتاده و از فواید تشکیل این چنین جمعیتی که در اروپا و عثمانی و سایر نقاط، سال‌ها است از این جمعیت مستفیض می‌شوند، بی‌بهره مانده و هر وقت مصیبیتی به این مملکت می‌رسد، اولاً کسی نیست رسیدگی نماید، ثانیاً اگر در صدد جمع اعانه می‌افتد، تازه به اشکالاتی برمی‌خورند که وجود اعانه را به چه کسانی بسپارند و به چه نحویه مصیبیت زدگان برسانند.

ج- اینها همه صحیح است، ولی به عقیده بنده در این تأخیر چندان ایرادی به اولیای امور دولت علیه نمی‌توان وارد آورد، زیرا تا قبل از جنگ بین‌المللی اخیر، پروگرام جمعیت‌های صلیب احمر و هلال احمر فقط رسیدگی به احوال مجروهین در جنگ بوده و چون دولت ایران همیشه بی‌طرف بوده و جنگی با کسی نداشت، به آن درجه که دیگران محتاج به تشکیل جمعیت‌های مزبوره بوده، احتیاجی نداشت. ولی در سال‌های اخیره در پروگرام تشکیلات بین‌المللی صلیب احمر تغییرات عمده داده شده. به این معنی که وظایف جمعیت‌های مزبوره در ایام صلح فوق العاده وسعت پیدا کرده است. فعلًاً صلیب احمر و هلال احمر در تمام مصائب وارد به نوع، از هر قبیل: حریق، زلزله، قحطی، جنگ، امراض و جلوگیری از تلفات اطفال و غیره، خدمت می‌نمایند.

س- در این صورت دیگر جای درنگ نبوده و می‌باشد هرچه زودتر دولت سعی و جهد کند که جمعیت شیروخورشید در ایران هم تشکیل گردد.

ج- بلی! همین بود که بنده در رمضان سال گذشته [اوخر جوزا ۱۳۰۱] شروع به اقدام نموده و فعلًاً یازده ماه است زحمت می‌کشیم که این جمعیت تشکیل شود. زیرا که اگر این جمعیت تاکنون تشکیل یافته بود، در مسئله ارومی، آمل، تربت،

نیشاپور و غیرها، دولت دچار اشکال نمی‌شد. در هر صورت چون بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی ارواحنا فداه که این جمعیت تحت حمایت عالیه ملوکانه خودشان تشکیل خواهد یافت، با دقت پروگرام و نظامنامه اساسی این جمعیت را مطالعه فرموده و خاطر مبارک شان از فواید کثیره آن کاملًا مطلع است، امر به اقدام در تشکیل جمعیت فرمودند و امیدواریم در [دوره] زمامداری حضرت اشرف آقای مشیرالدوله موققیت حاصل شود و این نام نیک تاریخی را ایشان بر بایند و عموم ملت از این جمعیت خیریه ملی استفاده کامل نمایند.

[توضیح انتهائی از مدیریت روزنامه مردادآزاد:] با اهمیتی که این مؤسسه برای ایران دارد، انتظار داریم بیش از این کارتأسیس آن عقب نیفتند. البته مملکت ما به امور جاری و پرداختن به مسائل روزانه بیشتر معتقد است. فکرهای اساسی با دماغهای پر، میانه ندارد. هر روز هم ما یکی دو سه خروار گرفتاری های بزرگ و کوچک داریم که تمام وقت مان را مشغول می کند. ولی با تمام این احوال، چه ضرر دارد قدری هم - ولو برای این باشد که تماشا بکنیم و ببینیم چه می شود. - به طور استثناء یک فکر اساسی را بگیریم و به عمل در بیاوریم؟ امیدواریم رئیس محترم دولت که شخصاً خوب اهمیت این مؤسسه را می دانند، بزودی وسایل به راه افتادن آن را فراهم فرمایند.^۱

حاجی امیر نظام همدانی^۱

[مصاحبه مدیر جریده پروردین^۲ با حاجی امیر نظام همدانی وزیر مالیه
۲۳ جمادی الثانی ۱۳۳۳ قمری / ۱۸ نور اردیبهشت ۱۲۹۴]

ملاقات مدیر ما با وزیر مالیه

« روز شنبه ۲۳ شهر جاری مدیر ما برای مذاکرات راجع به امور مالیه که روح مملکت و اساس دولت است، در وزارت خانه، وزیر را ملاقات و سوالات ذیل را نمودند. جواب‌هایی که آقای وزیر دادند، می‌نمایاند که بله‌یکیان تا چه اندازه مالیه و بیت‌المال مسلمین را پایمال و نابود کردند.

۱- به موجب اخبار مونقه، رؤسای بله‌یکی‌ها قبل از استعفای خود، دونفر طبق‌کش آورده و تمام دوسيه‌های مهم اداره خزانه‌داری را بیرون بردند. آیا حضرت وزیر در این باب و خیانت این مستخدمین چه اقدامی فرمودند و استرداد این دوسيه‌ها خواهید فرمود یا خیر؟

(جواب) - اولاً بعضی از آن دوسيه‌ها را برده‌اند و با کمال جدیت این دوروزه [برای بازگرداندن آنها] مشغول اقدامات شده‌اند.

۱. عبدالله خان امیر نظام قراگوزلو همدانی نماینده دوره سوم مجلس شورای ملی و یکی از رجال سرشناس دولت بود که آخرین منصب او وزیر دارائی یا مالیه در کابینه عین‌الدوله است. مصاحبه مذکور نیز در همان زمان انجام شد. امیر نظام اندکی بعد در سال ۱۳۳۴ قمری / ۱۲۹۵ خورشیدی درگذشت.

۲. او مؤید الشريعه گیلانی است که با انتکاء به گرایشات وطن‌دوستی و مشروطه خواهی اش، جریده پروردین را در سال ۱۳۳۳ قمری و همزمان با آغاز دوره سوم مجلس شورای ملی در تهران منتشر ساخت. پس از مدت کوتاهی و بعد از حمله روس‌ها به شمال ایران و تهران در جریان جنگ جهانی اول، جریده پروردین نیز تعطیل شد.

۲- نظر به اطلاعاتی که داریم بلژیکی هایی که از خزانه خارج شده اند و بعضی ها به اروپا رفته اند و می روند و بعضی به گمرک داخل می شوند، اینها همه بدون تصویب و اطلاع حضرت وزیر بوده و مبالغی پول بدون تصویب وزارت مالیه و کمیسیون سه نفری، به این اشخاص از صندوق گمرک پرداخت شده است.

(جواب) - بلی! از صندوق مالیه تهران و گمرک. ولی مذاکرات زیاد در این خصوص شده و امید است، نتیجه بخشد.

۳- مسیو منارد برای دادن محاسبات خود، انتشار می دهد که ایشان دائمآ در وزارت حاضر شده و مشغول کار است. ولی از طرف خزانه داری و وزارت مالیه اسباب تاخیر تهیه محاسبات ایشان را فراهم می آورند. آیا حضرت وزیر اقدامات عاجلی برای تسریع محاسبات ایشان خواهند فرمود؟

(جواب) - این انتشار منارد بی اصل و بی اساس است. بلکه هر روزه در کمال عجله از طرف وزیر مالیه درخواست حساب او می شود و منارد طفره دارد.

۴- عدم انتظام اداره خزانه پس از نسخ قانون ۲۳ جواز و شدت آتریک^۱ بلژیکی ها برای اختلال امور مالیه و عدم وصول وجه، تمام دوایر را از بی پولی [به] شدیدترین بحران دچار نموده. چنانچه ژاندارمی همه جا گرفتار بی پولی شده و عن قریب است که به واسطه نرسیدن پول، اداره ژاندارمی منحل شود. در این باب چه خیالی فرموده اید؟

(جواب) - از روزی که به وزارت خانه آمدہ ام، تمام مترصد هستم زودتر برای آنها پول تهیه نموده و با تمام فدایکاری ها، آن اداره منحل نگردد.

۵- اداره مالیه قزوین و امور کلیه بلوکات آنجا پس از اینکه بلژیکی ها آقای میرزا احمدخان آذری را به میل بعضی دست های خارجی تغییر دادند، به مسیو اسپنلا سپرده شده است و ایشان ابدآ توجهی به احکامات مرکزو اامر و وزارت ندارد و به جدیت

تمام‌تر مشغول اختلال امور مالیه و منحل کردن پلیس و ژاندارمری بوده و در این مقصود هم اجزای فعال مثل میرزا حسن خان و شکوه نظام و بنان دیوان خارج نموده و بعضی اجزای بیکار و دزد را سرکار آورده‌اند. خوب است در این خصوص به فوریت اقدامی فرموده و یک نفر ایرانی برای مالیه آنجا بگذارند.

(جواب) - البته امید است همین چند روزه به اصلاحات به همراهی ملت موافق شویم.

۶- تشکیلات مالیه کی شروع شده و آیا باز این تشکیلات به دست اروپائی‌ها خواهد شد یا ایرانی‌ها هم شرکت خواهند کرد. یعنی به موجب نسخ قانون ۲۳ جوزا مأمورین مالیه را خزانه‌داری معین خواهد کرد یا وزیر؟
از این سؤال یک سکوت ممتدی در اتاق وزارت حکم‌فرما گردید. هرقدر این سؤال را مکرر کردیم، آقای وزیر مالیه عقاید خود را اظهار نفرمودند.^۱

۱. مصاحبه مذکور در یکی از شماره‌های جریده پروردین در سال ۱۳۳۳ قمری چاپ شد.